

## باز هم در زمینه نافرمانی های مدنی 2

دکتر منوچهر گنجی

### افکار عمومی

مهمترین موضوع در مبارزات نافرمانی مدنی تشکیلات و سازماندهی درست و با دیسیپلین و پا برجاست. سازماندهی بد و بدون دیسیپلین، مبارزات را محکوم به شکست میکند. برنامه های تعلیماتی و انضباطی یک سازمان مبارز نافرمانی قوی درست به مانند برنامه های تعلیماتی نظامی و دیسیپلین نظامی است. مهمترین حربه مبارزان برنامه نافرمانی های مدنی نیروی مردمی مخالفان رژیم است که روزی که آنها دست از کار نکشند و با دیسیپلین و متحد با هم عمل کنند، رژیم کارش تمام است. از جمله خصوصیات مبارزات نافرمانی این است که همه از پیر و جوان و نوجوان و زن و مرد، مسلمان و غیر مسلمان میتوانند در آن نقش ایفا کنند هر چه مردم بیشتر موفقیت های آنان را ببینند و لمس کنند امکان جذب موافقان و دست اندر کاران رژیم به سوی مبارزان نافرمانی بیشتر و بیشتر میشود. جز شکنجهگران و تروریست های رژیم نباید دست رد به سینه هیچکس که حقیقتاً میخواهد راهش را به سوی صف مبارزان راه آزادی ایران عوش نماید، گذاشت

افکار و برداشت مردم ابزار مهم و یکی از پایه های اساسی موفقیت هر گونه برنامه نافرمانی مدنی است. قدرت سیاسی را اسلحه درست نمیکند فکر و اندیشه، ابزار درست آنرا میسازند و قدرت سیاسی از افکار عمومی سرچشمه میگردد. و چه بسا که قدرت سیاسی نیز در مواردی بتواند در ساختن افکار عمومی نقش ایفا کند. افکار عمومی هیچوقت یک پدیده ثابت و غیر قابل تغییر و راکد و جامد نیست، بلکه دائم در حال تغییر و تحول است و با تغییر و تحولات اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و تغییر زمان، تغییر میپذیرد. افکار عمومی ملعبه دست دولتها نیست بلکه خود آن چیزی است که باعث تغییر و تحول دولتها میشود و به آنها قدرت میدهد یا از قدرت آنها میکاهد و یا باعث سقوط آنها میشود

لئو تولستوی نویسنده بزرگ اواسط قرن نوزدهم میلادی مینویسد: "افکار عمومی هیچوقت یک پدیده ثابت نیست بلکه دائم با تحولات سیاست های زندگی و پیشرفت بشریت در حال تغییر و تحول است: همانگونه که یکایک ما در تغییر و تحول افکار عمومی نقش داریم همانگونه نیز افکار عمومی در ایجاد تغییر و تحول ذهنی و فکری در یکایک ما سهم دارد.

همیشه افراد و گروههایی هستند که منافعشان ایجاب میکند که جلوی هر گونه نوگرایی را بگیرند به امید آنکه افکار عمومی را ثابت و راکد نگهدارند. درست مانند آنچه که آخوند های قشری، کشیش ها و یا خاخام های قشری میخواهند انجام دهند.

آنها به دنیای متحول و دائما" در حال تغییر و تغیر در روال اندیشه و برداشت ما و زندگی مردم و جامعه اعتقاد ندارند و همچون حاکمان ولایت فقیه در ایران منافع و مقام آنها ایجاب میکند که خواست های مردم و عقاید و افکار آنها همان باشد که 1300 یا 2000 سال و یا پیشتر از آن بود. آنها عقاید نو و افکار و برداشت نو و متحول که لازمه زندگی در زمان خویش است را مخالف نظریات کهنه و پوسیده و منافع مادی و مقام اجتماعی و سیاسی- اقتصادی خود میدانند و یا نمیدانند و یا از این واهمه دارند که مصداق مثل معروف ما ایرانیان: نو که شود به بازار کهنه شود دل آزار، گریبانگیرشان گردد.

آنچه مسلم است جلوی نوگرایی فکری و تحول جامعه را به هیچ قیمتی حتی اگر شما هر جمعه 4000 آئین نماز و نطق و خطابه برگزار کنید و رادیو و تلویزیون و روزنامه ها را در اختیار خود بگیرید، نمیتوانند بگیرند. هر چه بیشتر سعی در ایجاد سد در مقابل این مرحله گذار دائمی ابراز عقاید و افکار نو بنمایند، با دست خود به نزدیکتر شدن روز انهدام خود کمک کرده اند. اثرات این فشار و خفقان را امروز میتوانید در طرد کردن مراسم دولتی توسط مردم ببینید و حتی مشاهده میشود که جمعیت های به پای منبر جمع کرده نیز به هیچ رو گوششان به حرفهای سخنوران رژیم نیست.

ضرورت زمان و منافع ملی ما ایرانیان ایجاب میکند که بیش از این آلت دست عقاید و افکار پوسیده و روال زندگی این دارودسته ایران بر باد ده فاسد واپسگرا نشویم و کشور و زندگی خود و فرزندانمان را بیش از این به عقب سوق ندهیم.

برای حرکت به سوی آزادی و سازندگی و زندگی بهتر تنها چیزی که لازم است اینست که هر یک از ما تصمیم بگیریم از فردا در لَوای حقیقت زندگی کنیم و آنچه را در مورد رژیم اخوندی در سر داریم بدون هر گونه ترس و وا همه از کسی یا چیزی بر زبان آوریم و یا لاقلاً آنچه را که باور نداریم بر زبان جاری نسازیم. ابن الوقت نباشیم دورویی و باری به هر جهت و این نیز بگذرد را کنار بگذاریم و تلاش نماییم تا نزد وجدان خود آسوده باشیم. مطمئن باشید از روزی که اکثریت ما به خاطر سود شخصی دروغ نگوئیم و برای رژیم خوش رقصی نکنیم و شهادت انرا پیدا کنیم و از این پس آنچنان عمل نماییم، آنوقت خواهید دید که طی مدت زمان کوتاهی آن به اصطلاح افکارقشری و پوسیده و برداشتهای غلط دروغ های مصلحت آمیز و زائیده دروغگوئی ها و لاپوشانی ها و باری به هر جهت ها و خوشرقصی ها از جامعه طرد شده و روز نو و زندگی نو و افکار عمومی زنده امروزی که نمایانگر خواست واقعی ملت است بر کشور حاکم خواهد شد

به قول تولستوی: " شرم آور است بدانیم چقدر آسان است که از شر این زندگی پر مشقت و پر از خشونت و ضد انسانی رهائی یابیم". تنها کاری که باید بکنیم اینست که از فردا دروغ نگوئیم و آنچه را که باور نداریم بزبان نیاوریم.

باید بدانیم که قدرت واقعی در گلوله و تفنگ نیست قدرت واقعی زندگی در لَوای حقیقت است. حقیقت را نمیتوان کشت. روزیکه اکثریت ما مردمان اینگونه بیاندیشیم و عمل نماییم و دیگر به هیچ قیمت عقب نشینی نکنیم و افکار عمومی را از این واقعیت آگاه کنیم و با خود داشته باشیم آن روز، روز آزادی ایران است.

### معنی و مفهوم و هدف نافرمانی های مدنی

نافرمانی مدنی عملی است غیر خشونت آمیز که بطور علنی و در منظر عام انجام میگیرد و به اطلاع عموم رسانده میشود. برنامه ریزان و عمل کنندگان به اطلاع عموم میرسانند که مراعات حقوق بشر و ضوابط انسانی که با زندگی عموم سرو کار دارند، در حال نقض شدن میباشد و هدف برنامه نافرمانی ها ایجاد تغییر در نظام سیاسی حاکم است تا عدالت و مصلحت عمومی بر مسند قدرت قرار گیرد.

در طول 60 سال گذشته بیش از همه دانشجویان و دانش آموزان و آموزگاران و دبیران و کارگران در کشور ما در مبارزات نافرمانی های مدنی نقش موثر را داشته اند. امروز نیز کارسازترین قشر جامعه ما همان گروها هستند گکه به آنها باید قشر زنان که از همه بیشتر در طول 28 سال گذشته، مورد ظلم و ستم قرار گرفته اند، را افزود. به زبان فرانسه مثلی است معروف که میگوید " اشتهای در اثر خوردن بوجود میآید" تفهیم ابعاد گوناگون نافرمانی های مدنی نیز در عمل کردن بدست میآید. آنچه ضروری است که بدان اشاره نمود اینست که آغاز هر گونه برنامه جدی و موفق نافرمانی باید با سازماندهی درست و نقشه و برنامه جامع کارهای مبارزاتی انجام گیرد و به طور مستمر دنبال شود. فلسفه برنامه های نافرمانی مدنی بر اساس احترام برای حق زندگی و مراعات تمامی حقوق خدادادی افراد جامعه به وجود آمده است.

در کارزار مبارزات نافرمانی باید با مطالعه و صبر و بردباری و کوشش شبانه روزی دست بکار شد و بهتر است تحمل کرد و با برنامه ریزی قبلی کار مبارزات را آغاز و دنبال کرد و با موفقیت آن را انجام داد تا با عجله و بدون مطالعات و برنامه ریزی های قبلی دست بکار شد. کارزار نافرمانی های مدنی برای اینکه نتیجه بخش و توام با موفقیت باشد باید تداوم داشته باشد تا به تغییر جهت مخالفان و بی تفاوت ها به سمت مبارزان و در نهایت توفیق مبارزات منتهی شود.

موفقیت در مبارزات نافرمانی داشتن برنامه و استراتژی کار مبتنی بر مطالعات لازم و شورای رهبری آگاه و شجاع، متعهد و با دسیپلین و پرکار است.

هدف مبارزات نافرمانی انهدام مخالفان نیست بلکه پیروزی آزادیخواهان است و زندگی در صلح و صفا در لَوای عدالت و قانون با مخالفان است. ما همان اندازه برای حقوق بشر و آزادیهای مخالفانمان ارزش قائلیم که برای حقوق و آزادیهای خود و یاران خود. عشق و علاقه به هم نوع و زندگی، درون یک نظام دمکراتیک پایبند به حقوق بشر و آزادیهای اساسی همه بدون هر گونه تبعیض، برنامه کار و خواست همه مبارزان راستین نافرمانی های مدنی است.

برنامه نافرمانی از موضع ضعیف بر نخاسته و عمل نمیکند بلکه از موضع قدرت اخلاقی و روانی عمل میکنند. هدف نهایی برنامه نافرمانی کشیدن مخالفان به سمت آزادیخواهان بمنظور دست برداشتن آنان از اعمال و رفتار ضد انسانی است. مقابله برنامه های نافرمانی با نیروهای اهریمنی غیر قابل اصلاح در داخل رژیم و با اعمال و رفتار

ضد مردمی و خشونت گرای آخوند های دیکتاتور است که ما با آنها مبارزه میکنیم برنامه نافرمانی برنامه عشق به هممنوع است و از نفرت انگیزی بدور است. این برنامه بر اساس این اعتقاد پایه گذاری شده که در جهان کنونی در نهایت پیروزی با قوه های آزادیخواه به پا خاسته است. توان و قدرت حکومت همیشه در نتیجه فرمانبرداری اتباع کشور از حکومت حاصل میشود بدین مفهوم که فرمانبرداری من و تو قدرت را بدست حکومت و حکومتگران میدهد و هر گاه مردم در مقابل حکومت دست به نافرمانی بردارند و عدم همکاری بزنند، آنچرا که تا دیروز قدرت حکومت مینامیدند از بین رفته و مضمحل میشود. از طریق عملیات نافرمانی مردم میفهمند چگونه میشود از همکاری با رژیم سر باز زنند و آن را هر روز ضعیف و ضعیفتر کنند تا جایی که به عمرش پایان دهند.

معنی و مفهوم پدیده نافرمانی مدنی این است که فرد یا افراد جامعه از انجام یا عدم انجام آنچه از او یا آنها خواسته شده است و حتی قانون حاکم حکم میکند ولی ادراک فرد به او میگوید که آن خواست یا شرایط خلاف شرافت، انسانیت و حقوق و آزادیهای خدادادی او و یا سایرین است، به طور فردی یا جمعی علنا" از انجام آن سر باز زنند.

عمل نافرمانی معمولاً یا مثبت است یا منفی. یعنی یا شامل عدم انجام کاری از طرف افراد میشود که قانون یا حکومت طلب میکند، مانند پرداخت عواض و مالیات ها، شرکت در انتخابات، مراعات حجاب اجباری، شرکت در مراسم و تظاهرات فرمایشی، حمایت از تروریسم... یا شامل انجام کاری میشود که قانون یا حکومت منع کرده است، مانند برپا کردن مراسم علنی جشن و شادی، عدم مراعات حجاب، تشویق موسیقی و هنر، استفاده کردن از البسه به رنگهای شاد، اختلات زن و مرد در مراسم گوناگون، استفاده مشترک بانوان و آقایان از مترو و اتوبوس بدون در نظر گرفتن قوانین جداسازی رژیم، برگزیدن نامهای اصیل ایرانی برای فرزندان خود، مخالفت علنی با قوانین ضد انسانی... کلمه مدنی در اصطلاح نافرمانی مدنی، به مفهوم متمدنانه بکار برده شده است که متضاد پیگیری برنامه آسیب رساندن به دیگران است. مفهوم دیگر آن این است که بطور باز و علنی به آگاهی عموم میرساند که ضوابط و اصول انسانی و اخلاقی والایی که با زندگی عموم سروکار دارد مستمر" نقض میشود و هدف نافرمانی ایجاد تغییر در نظام سیاسی حاکم است تا عدالت، حقوق بشر و آزادیهای اساسی، جدائی دین از حکومت و اراده عمومی بر مسند قدرت قرار گیرد.

در اینجا لازم به توضیح است که بر خلاف آنچه اغلب متصور است نافرمانی مدنی امروز در همه حال مفهوم منع مطلق بکار گرفتن اقدامات خشونت بار در همه شرایط را بطوریکه گانده میخواست نمیدهد. البته مهمترین شرط کماکان این است که در همه حال کوشش در عدم استفاده از عملیات خشونت بار بکار رود ولی ممکن است شرایط بسیار استثنائی پیش آید که رهبری برای جلوگیری از عملیات خشونت بار و کشتار وسیع بیشتر از جانب حکومتگران عملیات متقابل را جایز بداند. در اینجا باز فراموش نکنیم که کاربرد خشونت اغلب، خشونت بیشتر بوجود میآورد. نافرمانی های مدنی در کشور ما سابقه بس طولانی دارد. از آن جمله اند سابقه بست نشستن ها، تحریم ها، خود داری از معاشرت و رابطه سببی پیدا کردن ها،.... امروز از لحظه ای که طلبه کامپیوتر را میگذارد جلوی خودش همه چیز برای او نیز به زیر سوال برده میشود. مهمترین حامی رژیمهای دیکتاتوری و مکتبی جهل و نادانی است.

تحریم استعمال تنباکو در ایران از جانب مردم، در آخرین دهه قرن نوزدهم که با استقبال همگانی مواجه شد و در نتیجه باعث لغو امتیاز تنباکو که از جانب ناصر الدین شاه به کمپانی انگلیسی داده شده بود، گردید یکی از موارد درخشان از سوابق موفق برنامه های نافرمانی های مدنی در ایران است. در این زمان با وجود اینکه تعداد قابل ملاحظه ای از زنان و مردان ایرانی در سراسر کشور معتاد به کشیدن غلیان بودند همگی به طرز تحسین آمیزی تحریم استعمال تنباکو را مراعات نمودند تا آنجا که ناصر الدین شاه در مقابل آنان مجبور به عقب نشینی و لغو امتیاز کمپانی انگلیسی، شد.

اعتصاب کارگران و مهندسیین بخش استخراج نفت ملی ایران در ماههای اذر، دی و بهمن 1357 نیز که باعث قطع صادرات نفتی کشور شد و اعتصاب های گوناگون دیگر گروهها در همین سال که به انقلابیون کمک کرد، نیز از جمله دیگر موارد استفاده از حربه نافرمانی های مدنی در قرن گذشته در ایران است. ابراز مخالفت با نظرات، گفتار، رفتار و هر گونه عملکرد حکومتگران حقی است طبیعی و انسانی. هیچیک از ما دنیا نیامده ایم که مورد تحکم، زورگویی و تجاوز دیگران و حکومتیان واقع شویم.

در دنیای ما تنها حکومتیهای مشروعیت حکومت بر مردم و فرمانبرداری آنان را دارند که از رضایت عمومی برخوردار بوده و برای حقوق افراد جامعه احترام قائل اند. امروز یک کشور هیچگاه آزاد و مترقی محسوب نمیشود

مگر آنکه در آن کشور عملاً فرد به عنوان یک قدرت والای مستقل، که تمامی قدرت کشور ناشی از او است به حساب آید و دین از حکومت جدا باشد.

امروز قاعده عمومی مورد قبول همه جهانیان این است که حکومت هر کجا به ناحق پایش را به روی پای شما گذاشت و حق شما را پایمال کرد، به حریم خانه و خانواده و زندگی و مال و دارائی شما و حقوق فردی و اجتماعی و حق زندگی شما تجاوز کرد شما حق دارید با آن مخالفت کنید، طغیان کنید، اعتراض کنید و خواستار تنبیه افراد خطاکار و اعاده حقوق خودتان بشوید و تا آن زمان تمکین نکنید.

اعتراض و مقاومت در مقابل اینگونه اعمال و هر گونه عمل غیر انسانی علیه شما و دیگران حق مسلم شما است. این حق خدا دادی شما است. حتی حیوانات هم در این موارد آنجا که به چشم خود میبینند که یکی از آنان مورد ضرب و تجاوز قرار گرفته از خود عکس العمل نشان میدهند.

در دنیای امروز کوشش در برقراری و دفاع از حقوق و از ادبهای فردی خود و دیگران وظیفه فردی و جمعی همه ما است. راهنمای عکس العمل و اقدامات ما در این موارد فقط و فقط باید وجدان آگاه و جمعی ما باشد ما باید با یکدیگر ارتباط برقرار کنیم به یکدیگر آگاهی بدهیم و مشوق و مدافع حفظ حقوق و آزادیهای یکدیگر باشیم. سر بقای رژیمهای دیکتاتوری جلوگیری از اتحاد و همبستگی مردم و کشور با یکدیگر است ما باید درست خلاف آن عمل کنیم و هر روز با یکدیگر نزدیکتر، صمیمی تر و متحد تر شویم و ارتباط مستمر برقرار کنیم. و تا آنجا که میتوانیم به ایجاد سازمان و تشکیلات غیر دولتی برای مراقبت از نقض این حقوق از جانب حکومت بپردازیم.

حقوق و آزادیهای یکایک و جمع ما که حقوق خدادادی ما است و هیچکس نمیتواند از ما بگیرد همان است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های وابسته به آن به رشته تحریر در آمده و امروز در سراسر دنیا به عنوان حقوق بین الملل جهانی شناخته میشود. به هیچ چیز کمتر از آن تحت هیچ شرایطی نباید تمکین کنیم. ما به دنیا آمده ایم تا در لوای آزادی که جزو طبیعتمان است زندگی کنیم. همانگونه که یک گیاه در شرایط غیر طبیعی میمیرد ما نیز بدون آزادی مرده ای بیش نیستیم پس برای برخورداری از آن نباید تن به هیچ عذروبهانه ای از جانب حکومت گران بدهیم امروز در سراسر دنیا قاعده مورد قبول همه این است که بهترین دولت حکومتی است که کمتر و کمتر در زندگی مردم مداخله میکند.

### That government is best which governs least

در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین آمده است: "از آنجا که ضرورت ایجاب میکند که حقوق بشر باید مورد حمایت قرار گیرد تا بشر به عنوان آخرین علاج به قیام بر ضد ظلم و فشار روی نیابد. عملیات نافرمانی مدنی که موضوع بحث ماست شامل انواع نافرمانی ها، اعتراض ها، انواع عدم همکاریها، انواع کم کاریها، انواع تحریم ها، انواع اعتصابات و تحصن ها، بست نشستن ها، انواع تظاهرات، انواع کم کاریها و کند کاریها و خود داری از پرداخت عوارض و مالیاتها و عدم حضور کارمندان دولت در مراسم اجباری حکومت، به بهانه های گوناگون، میشود به عنوان نمونه هایی از مراحل اولیه کار مداوم و برنامه ریزی شده این کوشش ها میتوان از انواع اعتراض ها و کوشش در همراه نمودن ما، اعم از برگزاری مراسم گوناگون سخنرانی و تهیه و توزیع انواع شکوائیه تهیه و توزیع انواع دستور العمل های مبارزاتی و از جمله انواع شعار نویسی و گسترش فرهنگ آزادیخواهی و مبارزاتی و آموزش اصولی برای همصدائی و همراه نمودن نیروهای انتظامی کل کشور در قالب نظامیان و سربازان، پلیس، پاسداران، بسیجیان و نیروهای امنیتی رژیم نام برد. به عنوان نمونه هایی دیگر از عملیات گوناگون نافرمانی های مدنی میتوان از انواع تحصن ها و اعتصاب غذا ها و تصرف اماکن حساس دولتی از طریق بست نشستن و ایجاد سیستم های موازی در زمینه هایی که میتوان سرویس بهتر و مناسبتر به مردم عرضه کرد و رژیم را در تنگنا قرار داد تا بالاخره ایجاد حکومت موازی به منظور در انزوا قرار دادن رژیم نام برد

بارها و بارها دیده ایم در شرایطی که حقوق و آزادیهای خدادادی ما بطور مکرر پایمال میشوند، مردم به ستوه آمده قیام علیه گروه حاکم را نه تنها یک حق مسلم خود بلکه یک وظیفه ملی و مردمی بشمار میاورند اینجاست که حق انقلاب، حق مقاومت و حق عدم اطاعت و عدم فرمانبرداری از گروه حاکم و حق تلاش بی وقفه برای سرنگونی رژیم حاکم سرکوبگر به عنوان یک وظیفه ملی و مردمی سر بر میآورد

در رژیمی که بی دلیل و مدرک کافی آزادیخواهان ایران را زندانی و زجر و شکنجه میکند جای آزادیخواهان واقعی ما همان زندان است روزی که گروه عظیمی از آزادیخواهان ایران ترس بازداشت و زندان و شکنجه شدن برای پیروزی را از خود دور کنند آن روز مطمئناً "پایه های پوشالی آن رژیم سرکوبگر آخوندی فرو خواهد ریخت. جوانان

رشید ایران که رژیم سخت مترصد گسترش اعتیاد در میان آنان و خروج آنان از ایران است، به خوبی میتوانند و باید پیشاهنگان این قیام بزرگ ملی باشند

### قدرت سیاسی

قدرت سیاسی شامل مجموعه امکانات مالی، قدرت پلیسی و نظامی، قدرت تنبیه و تحجیب، قدرت نفوذ روانی و مکانیکی و اتوریته در جهت تامین اهداف مورد نظر حکومت میشود

رهبری مبارزات نافرمانی حتماً باید با مفهوم قدرت سیاسی، مکانیزم و الزامات مبارزات نافرمانی مدنی که شامل مرحله مطالعاتی و برنامه ریزی، مرحله اجرای برنامه های تعلیماتی، مرحله آمادگی، به عمل و هدف قرار دادن منابع قدرت رژیم میشود آشنائی های لازم را دارا باشد. از جمله این اقدامات اعتراض ها، انواع عدم همکاریها، کم کاریها، تظاهرات و بست نشستن ها، اعتصابات، مذاکره و قانع کردنها و دیگر اقدامات فلج کننده رژیم میباشد.

برای مطالعه نقاط ضعف دیکتاتورها، قدرت سیاسی، الزامات و مکانیزم مبارزات موفق غیر خشونت آمیز، نمونه هایی از انواع عدم همکاریها با نظام دیکتاتوری آخوندی، ضرورت و توجه به ابعاد گوناگون برنامه جامع استراتژیک مبارزاتی، کاربرد مباره طلبی سیاسی و بالاخره عوامل و شرایط لازم برای فروپاشی نظام آخوندی حاکم و برنامه ریزی برای دمکراسی پس از رژیم آخوندی. " به کتاب پروفیسور جین شارپ با عنوان از دیکتاتوری به دمکراسی که در سایت سازمان درفش کاویانی نیز موجود میباشد مراجعه کنید". [www.derafsh.org](http://www.derafsh.org)

اوسکار وایلد میگوید "هر کجا که کسی اتوریته را در دست دارد کسی هست که در مقابل او مقاومت میکند" نافرمانی یک صفت بزرگ انسانی است. معمولاً در نتیجه نافرمانی است که پیشرفت حاصل میشود و دنیای بهتری پا به عرصه وجود میگذارد.

بسیاری از فلاسفه از قدیم گفته اند که هر اندازه که مردم کشوری سر به راه تر، ساکت تر و فرمانبردارتر، به همان نسبت حکومت آنها جبارتر و ظالمتر و خشونت بارتر خواهد بود. مهمترین حق مردم در هر نظام حکومتی حق ابراز عقیده مخالف با نظریات حکومتگران است. وظیفه مردم این نیست که در مقابل قانون تمکین کنند بلکه وظیفه آنان است که در مقابل اجرای عدالت تمکین کنند و در مقابل ظلم و فساد و خشونت باید به پاخاست و تمکین نکرد.

### جنایت علیه بشریت

در دنیای کنونی طبق حقوق بین الملل جهانی ما همه به عنوان یک انسان دارای وظایفی هستیم که اگر بدان عمل نکنیم و مرتکب اعمال جنایت علیه بشریت بشویم تا عمر داریم در سراسر دنیا گریبانگیرمان خواهد بود و راه فراری هم از آن وجود ندارد. برای نمونه به سابقه دادگاههای نورنبرگ، دادگاه جنائی بین المللی لاهه، دادگاه جنائی بین المللی کیگالی در رواندا، دادگاه جنائی بین المللی دیگری که در لاهه کماکان جنایتکاران علیه بشریت در یوگسلاوی سابق را محاکمه میکند، بازداشت و استرداد و محاکمه آدولف آیشمن ( 1960 ) در اورشلیم، بازداشت استرداد و محاکمه کلاوس باربی در 1987 در فرانسه، محاکمه و اعدام صدام حسین در عراق اشاره بنماییم. اکثر این متهمین به اعدام و یا حبس ابد محکوم شدندو سرکردگان رژیم ولایت فقیه باید بدانند که راهی برای فرار از احکام دادگاههای میکونوس برلین ( در مورد فلاحیان و سایرین)، پاریس بختیار ( در مورد حسین شیخ عطار، محمد آزادی و سایرین) دادگاه بوینس آیرس در آرژانتین( در مورد علی اکبر هاشمی رفسنجانی، ولایتی و دیگران)..... وجود ندارد مگر اینکه امروز تا فرصت باقی است راه آفریقای جنوبی را بپذیرند و تکلیف کشور را به یک فرماندم نظارت شده از جانب سازمان ملل متحد محول کنند

این چهارمین بررسی در زمینه مسائل گوناگون نافرمانی های مدنی است که لازم میدانم به اطلاع هموطنان آزادیخواه مبارز برسانم، که در اواسط ژانویه 2007 در برنامه های تلوزیونی کمیته نافرمانی های مدنی به تفصیل به آگاهی شما خواهد رسید تا همگام با مبارزات آزادیخواه شما بتواند مثر تمر قرار گیرد.

در کشور ما ایران استفاده از انواع گوناگون نافرمانی های مدنی از جانب مردم در مقابل حکام و حکومت های جبار طی سالیان دراز معمول بوده است، بنابر این فهم و درک این مطالب برای مردم ما به هیچ وجه مشکل نیست. توجه به موارد زیر برای مبارزات نافرمانی های مدنی، ضروری است:

### منشا و منبع قدرت حکومت ها

اوتوریته، یعنی حق امر و نهی کردن و از دیگران توقع فرمانبرداری داشتن. اوتوریته از جمله مهمترین منبع قدرت حکومتها محسوب میشود در دنیای امروز صندوق رای است که این حق، یعنی حق حکومت کردن را تعیین و تثبیت میکند. در دنیای ما حتی فاسدترین و ضد مردمی ترین دیکتاتورها هم علاقه دارند ظاهر سازی کنند که مشروعیت خود را از آرا آزاد اکثریت مردم کسب کرده اند. بنا بر همین برداشت هر آنچه تعداد حامیان رژیم کم و کمتر میشود همان نسبت نیز از مشروعیت رژیم کاسته میشود و در مقابل به مشروعیت مخالفان آزادیخواه مبارز آن افزوده میگردد در چنین شرایطی در آفریقای جنوبی و لهستان و شیلی و سایر دیکتاتوری های سالهای اخیر دیدیم بایکوت های سیاسی و اقتصادی خارج میتواند در تضعیف بیشتر اینگونه رژیمها نقش موثر ایفا کند. البته باید توجه داشت که اینگونه تحریمها نتیجه معکوس خواهند داد چنانچه مضار آن بیشتر به مردم میرسد تا به رژیم حاکم.

## اهمیت تعداد مخالفان

مبارزات بدون خشونت تنها در صورتی موفق میشوند و نتیجه مطلوب خواهند گرفت که از حمایت و همکاری موثر اکثریت مردم برخوردار باشند. امروز راه برای پیوستن هر ایرانی در هر رده و مقامی که باشد، با هر گونه کوله بار گذشته سیاسی میرا از جنایت به صف مبارزان آزادیخواه ایران باز است. الگوی آفریقای جنوبی میتواند در این زمینه راهنمای خوبی برای ما باشد. در مبارزه برای دموکراسی تعداد نقش حیاتی ایفا میکند پس در واقع.

ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید / ار مگر پیش نهد لطف شما گامی چند

طی سالهای پس از جنگ عراق و ایران مبارزه برای آزادی و دموکراسی و مساوات و زندگی بهتر و جدائی دین از حکومت در ایران گسترش وسیعی یافته است و هر روز بر ابعاد آن افزوده میشود. از جمله افرادی که در مبارزات آزادیخواه داخل کشور نقش اساسی ایفا نموده اند و رژیم تا کنون خوشبختانه موفق به ترور آنان نشده است و آنان همچنان به مبارزات خود ادامه میدهند و من با اسامی برخی از آنها آشنائی دارم به ترتیب حروف الفبا عبارتند از : عباس امیر انتظام ، سودابه اردوان ، دکتر کیوان انصاری ، احمد باطبی ، امیر فرشید ابراهیمی ، سیمین بهبهانی، عابد توانچه، محمد جعفر پوینده، سیامک پورزند، غفار حسینی، مهندس موسوی خوئینی ها، ارژنگ داودی، ناصر زرافشان، ابراهیم زال زاده، محسن سازگارا، فرج سرکوهی، عبدالکریم سروش، علی اکبر سعیدی سیرجانی، لطیف صفری، احمد میرعلانی، حشمت الله طبرزدی، رویا طلوعی، امیرعباس فخرآور، پروانه فروهر، داریوش فروهر، مهر انگیز کار، محسن کدیور، اکبر گنجی، اکبر محمدی، منوچهر محمدی، محمد مختاری، عبدالله نوری و بسیاری دیگر...

## 2- اهمیت همراه نمودن متخصصان حرفه های گوناگون با خود

در دنیای ما اداره یک کشور به حمایت و همکاری متخصصان حرفه گوناگون نیاز دارد. رژیم زمانی فلج میشود که این متخصصان حمایت خود را از آن دریغ دارند و به حمایت از آزادیخواهان و موج آزادیخواهی در کشور بردارند..

## 3- اهمیت توجه به مسائل مهم غیر قابل لمس ملی

از قبیل مذهب، موضع روانی احساس وظیفه فرمانبرداری، برداشت مرید و مرادی، برداشت باری به هر جهت و این نیز بگذرد، احساس رسالت تاریخی، .... باید توجه داشته باشیم که پایه و اساس دموکراسی ها بر این باور استوار است که قدرت فرمانروائی از جانب مردم به حکومت طبق قانون اساسی، در واقع به شکل وام واگذار شده است که به صورتی که قانون مقرر میدارد باید پس داده شود. با پدیده باری به هر جهت و موضع احساس وظیفه فرمانبرداری به هر قیمت در جامعه باید سخت مبارزه کرد.

## 4- منابع مالی

در دست داشتن منابع مالی مستقل از مالیات مردم در دست حکومتگران معمولاً باعث سرکشی و استبداد و تداوم آن میشود. پول یامفت فروش نفت و گاز و خمس و زکوه" و سهم امام و مال و دارائی های بنیاد های گوناگون در دست آخوندهای حاکم از این قبیل اند که باید از حوزه اعضا آنان خارج کرد. نداشتن امکانات مالی کافی برای موفقیت برنامه های مبارزاتی نافرمانی های مدنی از ضروریات است. مبارزان باید به هر ترتیبی مه میسر است و به مبارزه لطمه نمیزند به تامین این منابع بپردازند.

## 5- قدرت تحمیل اراده و تنبیه و اعمال ضمانت اجرایی

این قدرت که محدوده آن را قانون تعیین میکند هم برای تنبیه بکار برده میشود و هم برای جلوگیری از ارتکاب برخی از اعمال خلاف قانون، در دست دیکتاتورها بنحوی که آنها میخواهند اعمال میشود، بطوریکه افراد را بطور خودسرانه بازداشت میکنند، زجر و شکنجه میکنند، تبعید و اعدام میکنند مبارزه با این گونه اعمال ضد مردمی رپیم از طریق افشاگریها، شکوائیه ها و شهادت ها و... دیگر روشهای اعتراضی عمومی میسر است

## 6-تجار،کارخانه داران، عمده و خرده فروشان

مانند همه جا انگیزه اصلی این گروه سود مالی است. با این وصف، و همچنین به دلیل فوق، زمانی که آنها قانع شوند که برد مبارزان و تغییر رژیم بسیار محتمل است تغییر موضع داده و مطمئناً به ترتیبی که خود تشخیص دهند به کمک مبارزان خواهند شتافت چنانچه در انقلاب 1357 عمل نمودند.

## 7-سازمانهای غیر دولتی

سازمانهای غیر دولتی سازمانهایی هستند که خارج از حیطه و کنترل دولت عمل می کنند. البته باید توجه داشت که رژیم های دیکتاتوری پلیسی مانند وضع کنونی کشور ما جاسوسان حکومتی در این سازمانها به طرق مختلف جا خوش میکنند. به عنوان نمونه میتوان از کانون وکلای دادگستری، سازمانهای طرفدار حقوق بشر، انجمن روزنامه نگاران، انجمن قلم، سازمان پزشکان، اتحادیه های کارگری، اتحادیه های کارفرمایی، اصناف، سازمانهای دانشجویان، سازمان فرهنگیان، سازمان زنان، سازمانهای مصرف کننده گان نام برد. باید سعی در پاکسازی این سازمانها کرد و جاسوسان رژیم را شناسایی و خنثی ساخت و این گونه سازمانها را گسترش داد. در همه جای دنیا سازمانهای غیر دولتی در سرنگونی رژیمهای دیکتاتوری نقش به سزائی ایفا کرده اند که یک نمونه بارز آن اعتصابات کارگری در شهر گدانسک لهستان به رهبری لخ و السایک کارگر بخش برق اسکله لنین در پایان دهه 1980 است. نمونه های دیگر آن را در چکوسلواکی و مجارستان و بلغارستان و رومانی و بالاخره اتحاد جماهیر شوروی، آلمان شرقی، رومانی و آفریقای جنوبی میبینیم. در دنیای زمان ما انقلاب های زائیده از نافرمانی های مدنی که انقلاب پابرهنه ها نام گرفته است (The Power of the Powerless)، و تعداد آنها بسیارند و در واقع انقلاب 1357 ایران نیز یکی از آنهاست و مردم ایران باید به خوبی با آن آشنائی داشته باشند، یکی از موثرترین طریقه های مبارزات توده های بزرگ مردمی است.

## 8-جامعه روحانیت

این برداشت که جامعه روحانیت را یکپارچه پشتیبان رژیم دانستن برداشت بسیار غلطی است. در جامعه روحانیت طی سالهای گذشته شاهد مبارزات آیت الله شریعت مداری، آیت الله سید صادق روحانی، آیت الله محمد روحانی، آیت الله سید حسن طباطبائی قمی، آیت الله محمد شیرازی، آیت الله سید علی سیستانی، آیت الله شیخ حسین وحید، آیت الله وحید خراسانی، آیت الله سید مهدی مرعشی، آیت الله شبستری و آیت الله حسینعلی منتظری نجف آبادی و آیت الله محمد کاظمینی بروجردی و بسیاری دیگر از مدرسین حوزه های علمیه و طلاب در قم و مشهد و اصفهان و تبریز و تهران و ..... بوده ایم. مطمئناً امروز آنها نقش بسیار مهمی برای آزادی کشور و جدائی دین از حکومت ایفا نمایند، آگاهی دارند و به نحو لازم به آن عمل میکنند. روحانیون ایران به خوبی میدانند چگونه نقشی آنها در انقلاب 1357 بازی کردند و چه ضایعاتی برای کشور ببار آورده است. آنها میدانند که تنها راه نجات کشور از موج بی دینی که بر ابعاد آن مرتباً افزوده میشود همصدا شدن آنان با موج کثرت گرای آزادیخواه و جدائی طلب دین از حکومت میباشد

## اهمیت شناخت درست ستون های حمایتی حکومت در بین مردم و برقراری ارتباط با آنها

در این بخش بحث ما شامل موقعیت ارتش، پلیس، پاسداران، بسیج، کارمندان دولت و بانکها و موسسات دولتی، فرهنگیان، کارمندان رادیو و تلویزیون و سایر رسانه ها، بنیادها، سازمانهای غیر دولتی، سازمانهای دینی و مساجد، سازمانها و اتحادیه های کارگری، جوانان، زنان، هنرمندان، تجار و بازرگانان و غیره میشود.

قبل از هر چیز باید گفت که ما به خوبی میدانیم که در این 28 سال مردم ایران باید به نحوی زندگی میکردند. گروهی، اکثراً برای حفظ جان خود راهی خارج شدند. دیگران که در ایران ماندند برای گذران زندگی باید کار میکردند، برخی

در بخش خصوصی و دیگران در بخش دولتی و در این گپرو دار هر دو به نحوی با حکومت سرو کار و ارتباط داشته اند. از دید ما امروز هیچ تفاوتی بین این دو گروه از لحاظ بهره مندی از حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی در ایران آزاد فردا نیست، مگر در مورد افرادی که مرتکب جرم و جنایتی شده باشند. بنابر این تغییر رژیم که ما همه خواهان آن هستیم بدان معنی نیست که مانند سال 1357، کاری که خمینی و همپیمانان او کردند عمل شود و به جان و مال و کار و زندگی شاغلین بخش دولتی و یا سازمانها که در فوق ذکر شد لطمه ای وارد آید. گروههای حیاتی که در مبارزه نافرمانی ها باید روی آنها فراوان کار کرد، گروههایی هستند که بدون حمایت آنها رژیم کنترل اوضاع و احوال شهر و منطقه و بلاخره کشور را از دست میدهد. بیش از شعار دادن و گل در لوله تفنگ گذاشتن امروز آنچه مبارزات ما بدان احتیاج دارد کار کردن روی افراد این گروهها میباشد.

## 1- پلیس، پاسداران، بسیج، کارمندان دستگاههای اطلاعاتی، حزب الله، ارتش

با یک چوب راندن همه افراد پلیس، و بسیج، پاسداران و دستگاههای امنیتی و ارتش و غیره بهیچوجه صحیح نیست و به مصلحت مبارزات آزادیخواه مردم با هم نیست. دشمن مردم نظام و یا رژیم آخوندی است. ما بدنبال تغییر رژیم و برقراری حکومت مردم برای مردم از طریق مردم هستیم و نه بدنبال انتقام جوئی و از کار بیکار کردن چند صد هزار نفر از خواهران و برادران خود که حمایت علنی و یا غیر علنی آنها امروز از مبارزان پر اهمیت و خدمات آنها در فردای آزادی ایران برای حفظ تمامیت ارضی و امنیت کشور ضروری و حیاتی است. البته حساب انتهایی که مرتکب جنایات و اعمال خلاف شئونات انسانی از قبیل ترور و اعمال زجر و شکنجه علیه خواهران و برادران خود شده اند در فردای آزادی ایران با قانون و مراجع صلاحیتدار خواهد بود.

فرماندهان و دیگر اعضای این نیروها باید بخوبی بدانند که مردم بپاخاسته آزادیخواه ایران هیچگونه خصومت و دشمنی خاصی با آنها ندارد و عدم شناخت درست حقوق مردم و حکومت قانون در کشور را ما زائیده نظام آموزشی و مکتبی آخوندی میدانیم. آنها همه خواهران و برادران ما هستند که رنج و مشقت فراوان دیده اند و از خود گذشتگی های بسیار در زمان جنگ نیروهای کشورمان بر علیه کشور متجاوز عراق از خود نشان داده اند ما همه مدیون فداکاری هایشان هستیم و امروز نیز برای آزادی ایران محتاج کمک های آنها میباشیم.

## 2- کارمندان دولت و فرهنگیان و موسسات وابسته به دولت

این گروه از خواهران و برادران ما چه بسا به طور فراوان مورد کم لطفی اغلب ما قرار گرفته اند و میگیرند. بی دلیل سیاست های غلط و کارهای خلاف حکومتیان و بی علائقی به کار و سر در گمی آنها را اغلب به حساب حمایت آنها از حکومتیان میگذاریم. ما میدانیم که امروز این برداشت از واقعیت بسیار فاصله دارد.

مبارزان آگاه و آزادیخواه ایران باید بدانند که موفقیت آنها نهایتاً در ارتباط مستقیم با پشتیبانی علنی یا ضمنی فرهنگیان و قاطبه کارمندان و حقوق بگیران دولت از آنها دارد بنابر این باید ارتباطات خود با آنها را گسترش دهیم. باید توجه داشت که زندگی این گروه از همپیمانان بستگی مستقیم به خزانه دولت دارد و اینان حقوق و مزایای کافی دریافت نمیکند و بنابر این داشتن توقعات بیجا از آنها معقول نیست و فساد عده ای در میان آنها را نباید به حساب همه گذاشت.

## 3- رسانه ها

مهمترین حربه جنبش نافرمانی مدنی آگاهی رساندن و بسیج افکار عمومی است. بدین منظور که مهمترین وسائل زمان ما در این زمینه شامل روزنامه ها، مجلات، کتابها، رادیو و تلویزیون، سینما و تئاتر، اینترنت و تلفن و دیوار نویسی ها و پیغامهای الکترونیکی تلفن های همراه میشود. البته امروز شبکه های بین المللی رادیویی و تلویزیونی نیز نقش مهمی در این زمینه ایفا میکنند. چنانچه بسیاری از رادیو و تلویزیون های فارسی زبان خارج از کشور تا آنجا که امکانات و تخصصشان اجازه دهد به انجام این مهم اشتغال دارند.

## 4- جوانان

از جمله خصوصیات جوانان اینست که بدنبال راستی، درستی و حقیقت جوئی (زندگی در لوای حقیقت) هستند. جوانان بیش از دیگران شهامت دارند. چون چیزی ندارند که از دست بدهند، نه شغلی دارند، نه مقامی و نه مال و منلی. آنها معمولاً ایده آلیست و آزادیخواه هستند که برای رسیدن به ایده آل خود که آزادی است و چنانچه ضروری باشد حاضرند جان خود را نیز فدا کنند برای همین خصوصیات است که رپیم های مکتبی و دیکتاتورها از آنها میترسند.

سعی و کوشش تمام رپیمهای دیکتاتوری اینست که سیاست زدائی را در میان جوانان رواج دهند مگر آن نوع مکتب و سیاستی که رژیم خواستار آن است. آخوند های حاکم علاقه دارند هر چه زودتر و بیشتر و بیشتر جوانان را درگیر مسائل غیر سیاسی کنند و آنها را تشویق به تشکیل خانواده کنند، صیغه را رواج دهند، مراسم ازدواج های جمعی برپا میکنند که مخارج آنرا دولت میدهد، احمدی نژاد با پرداخت صدها هزار تومان به جوانان تلاش میکند تا هر چه زودتر آنان را گرفتار مسائل و مخارج خانواده کرده و به اصطلاح خود آنها سیاست زدائی کرده باشد غافل از اینکه این مسئله بسیار بغرنج تر از اینهاست.

در این راه تا آنجا پیش میبرند که علاوه بر بازداشتهای پی در پی گروهی از جوانان فعال سیاسی را از ادامه تحصیل، بخصوص تحصیلات دانشگاهی محروم میکنند. دانشگاه آزاد را به هزار تکه تقسیم میکنند و در خارج شهر ها قرار میدهند، سعی و کوشش خود را در این میگذارند که دانشگاههای موجود را هم اگر بتوانند تکه تکه کرده و هر قسمت را در خارج از شهرها و روستاها مستقر سازند تا از این طریق جلوی اجتماع گروههای عظیم جوانان ضد رژیم در درون شهر ها را بگیرد. مشکل آنها در پیاده کردن این برنامه یکی از اعتبارات مالی بسیار سنگین آن است و دیگری جابجا کردن اجباتری محل زندگی استادان و قطع ارتباطات علمی و غیر علمی میان آنها و مهمتر از همه اینکه این کارها هم حکم وصله پینه و مسکن را دارد و علاج درد نیت نیست.

با وجود تمام سعی و کوشش های رژیم در عقیم کردن جوانان ما، امروز بسیاری از جوانان کشور ما در قلب ایران بدون هیچ انتظاری همه زندگی و جوانی خود را فدای آزادی و وطنشان میسازند در نهایت انصاف باید گفت که آنها هیچیک از قهرمانان آزادی و آزادیخواهی تاریخ ما،مانند ابو مسلم ها،طاهر ها،بابک ها، مازیار ها، یعقوب ها و مرداویج ها، هیچ کم ندارند.

## 5- کارگران

بدون تردید امروز میتوان گفت که جهانی شدن دنیای ما وضع زندگی بهتری را برای کارگران بسیاری از کشورهای در حال توسعه آسیا و آمریکای لاتین و تا اندازه ای هم آفریقا فراهم آورده است، هر چند در زندگی مردم ما به علت سیاست های ماجراجویانه رژیم تاثیر زیادی نداشته است. امروز رقم بیکاران ما در ایران بالغ بر 25 درصد است. درآمد سرانه ما همان است که 28 سال پیش بود. جز درصد بسیار کمی، هنوز حدود 80 درصد زنان ما شاغل نیستند. وضع مسکن و درمان و حقوق بازنشستگی کارگران ما به هیچ وجه مناسب حداقل استاندارد زندگی امروزی نیست. کارگران ما اکثر "از کمبود حقوق، عدم پرداخت حقوق به موقع مقرر و عدم برخورداری از حقوق تشکیل سندیکاهای کارگری مستقل از حکومت و عدم وجود تسهیلات بیمه های کارگری و استخدامهای رسمی و سختی معیشت مینالند. اعتصابات کارگران شرکت واحد و رفتار غیر انسانی رژیم با منصور اصائلو کارمند شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران که در زندان با تیغ قسمتی از روی زبان او را بریدند، نمونه ای است از رفتار آنان در مقابل خواسته های مشروع مردم کشورمان و به گفته اصائلو بازجوها به وی گفتند که " صرفنظر از اینکه ما در کجای دنیا زندگی میکنیم آنها توان آنرا دارند که خانواده ام را نابود کنند" در کشور ما امروز همه نوع نارضایتی در میان گروههای مختلف جامعه، بخصوص قشر کم درآمد و فقیر جامعه که بیش 60 درصد جامعه را در بر میگیرد، سر به آسمان کشیده است، بیکاری، بی مسکنی، فقر، بیدرمائی، سوتغذیه، کودکان کار اجباری و کارتن خوابهای خیابانی، فحشا، اجباری و اعتیاد و غیره

تمامی مردم از فساد حاکم و دزدی های علنی حکومتگران از اموال عمومی به فغان آمده اند. شکاف بین غنی و فقیر هر روز بیشتر میشود. برای سرپا ماندن رژیم، هر چند گاهی یکبار با برپائی برنامه های مزورانه مردم فریب، تلاش میکند تا خود را پشینیان " مستضعفان " نشان دهد.

در انقلاب 1357 کارگران نقش بسیار مهمی را ایفا نمودند مخصوصا کارگران صنعت نفت و گاز کشور. امروز با توجه به فساد و دروغ و تبعیض و ربائی که تمام تار و پود رژیم را فرا گرفته و قدرت فلج کننده ای که مخصوصا " کارگران و کارمندان صنایع نفت و گاز و حمل و نقل کشور در دست خود دارند مبارزان آزادیخواه ایران باید توجه خود را بیشتر معطوف این گروه از هم میهنان بنمایند.

تاریخ به ما نشان داده که در دنیای ما شیشه عمر هر نظام حکومتی در دست مردم آن کشور است و ارتباط مستقیم به درجه فرمانبرداری آنها از نظام حاکم دارد. این قاعده هم در مورد نظامهای آزاد صادق است و هم در مورد نظامهای دیکتاتوری. در دنیای ما چنانچه در دو دهه آخر قرن بیستم دیدیم هیچ نظام حکومتی در صورت نافرمانی موج عظیمی از مردم قادر به ادامه عمر خود نبوده و به طور قطع سرنگون شده است. امروز این وظیفه مبارزان آزادیخواه و تحصیلکرده ما است که مطالعه کنند و ببینند چرا مردم کشور در مقابل نظام دیکتاتوری سرکوبگر آخوندی دروغگوی فاسد تمکین میکنند. که به برخی از علل آن در اینجا میپردازیم:

**الف- عادت اطاعت از قدرتمندان و حکومتگران:** معمولاً هر چه سطح فقر و بیسواد و جدائی از هم در جامعه بیشتر، مردم از هم پراکنده تر، و خدمت نظام اجباری گسترده تر و در نتیجه عادت به اطاعت از حکومتیان بیشتر میگردد. در خدمت نظام، بخصوص در کشورهای عقب افتاده عادت به اطاعت کورکورانه از دستورات مافوق را به شکل یک قاعده عمومی به سربازان تحمیل میکنند، به شکلی که چه بسا پس از پایان دوران سربازی نیز این عادت نزد فرد باقی میماند. این عادت شبیه عادت به سیگار است که هر چند فرد به مضار آن به خوبی آشنا است توان ترک آنرا، که سهل و ساده است، در خود نمیبیند، در حالیکه دقیقه ای که مصمم شود و تصمیم بگیرد بخوبی میتواند آنرا ترک کند. به هر صورت آگاهی از این حقیقت خود گامی است در جهت مبارزه با عادت اطاعت از قدرتمندان و حکومت گران به هر قیمت. این وظیفه مبارزان آزادیخواه است که مردم را با این حقیقت آشنا کرده و به ترتیب لازم با آن مبارزه کند.

**ب- ترس از خطرات ناشی از مقاومت و عدم اطاعت:** شامل (1) ترس از عوامل نامطلوب احتمالی سرکشی و عدم اطاعت، (2) ترس از جریمه مالی، (3) ترس از دست دادن کار و زندگی (4) ترس از بازداشت، زندان، زجر و شکنجه و اعدام... دیکتاتورها همیشه قدرت خود را در ادامه فرمانبرداری مردم، در عامل ترس که باعث ایجاد وحشت در جامعه میشود، چه بسا مردم را عقیم میکنند جستجو میکنند و به گسترش اصطلاحاتی مانند "سری که درد نمیکند دستمال نمیبندند"، "این نیز بگذرد"، "بیهوده برای خود در دسر درست نکن"، "آهسته برو آهسته بیا که گربه شاخت نزنه" در جامعه میگردانند.

این وظیفه آزادیخواهان مبارز ایران است که به مردم آگاهی دهند و با عامل ترس و با این نوع برداشتها سخت مبارزه کنند. معمولاً عامل ترس تا زمانی کارساز است که فرد خود را تنها ببیند و احساس تنهایی کند ولی هنگامی که میبیند معلمانی اکثر مدارس دست از کار میکشند و خواست های معقولی را با شهادت عنوان میکنند و دیگران نیز به همین ترتیب، آن وقت است که او و امثال او هم به جمع دست از کار کشیده ها میپیوندند و اعتصاب ها گسترش می یابد و کارخانه ها و صنایع نفت و گاز و غیره را نیز در بر میگیرد.

**پ- منافع شخصی دید محدود و کوتاه بینی و ترس از دست دادن شغل، حقوق و مزایا و منافع دیگری که فرد برای خود کسب کرده است دلیل دیگری است که اینگونه افراد معمولاً عنوان میکنند و عقیده دارند که آزادیخواهان شانس تغییر رژیم سرکوبگر آخوندی را ندارند. اگر برداشت این افراد درست بود تعداد رژیم های آزاد دنیا طی 50 سال گذشته از چیزی حدود 25 کشور، امروز به 114 کشور نرسیده بود. زندگی در لوای حقیقت و آزادی جبر تاریخ است و مردم ایران هیچ چیزی از مردم بنگلادش و هندوستان و ترکیه و دیگران کمتر ندارند که آنها امروز جزو کشورهای آزاد محسوب میشوند. این از جمله وظایف آزادیخواهان مبارز ایران است که با اینگونه برداشتها مبارزه کنند و امید به پیروزی را در دل مردم گسترش داده و زنده نگه دارند و با همت خود کشور خود را نجات دهند.**

**ت- یک بار اشتباه بس است:** مبارزه ما بنام حفظ منافع عمومی جامعه و حقوق خدا دادی همه مردم ایران اعم از زن و مرد و مسلمان و غیر مسلمان و خرد و کلان و دارا و ندار میباشد. با اینگونه برداشت ها که، یک بار انقلاب کردیم و پدر خودمان را در آوردیم، عاقل یک اشتباه را دوبار تکرار نمیکند و امثال آن، باید سخت مبارزه کرد و آینده فرزندان ایران را بیش از این سیاه نکرد.

**ث- احساس بی تفاوتی:** به علت عدم شناخت مقاومت مردم ایران و دنیا و ترس از عواقب احتمالی منفی مقاومت، از جمله از دست دادن موقعیت و کسب و کار و مقام اجتماعی خود و عادت کردن به زندگی آهسته برو و آهسته بیا و سری که درد نمیکند... و امثال آن درست همان کاری که اکثر آلمانها در زمان هیتلر و روسها در زمان استالین انجام دادند. ما باید امروز سخت با این پدیده مبارزه کنیم.

**ج- نداشتن اعتماد به نفس:** در یک نظام دیکتاتوری در بسیاری از مواقع آنچه ببنفاتی تلقی میشود زائیده نداشتن اعتماد به نفس است و علت عمده آن این است که مردم بیش از حد حکومت را قدرتمند تصور میکنند و حکومت نیز به ایجاد این تصور دامن میزند آنها توجه ندارند که در حقیقت قدرت حکومت از آنها ناشی میشود و هر وقت که آنها اراده کنند میتوان با پشت کار و برنامه ریزی به عمر رژیم خاتمه داد.

کی تواند که شود هستی بخش

ذات نایافته از هستی بخش

مبارزات نافرمانی مدنی در عمل

نقشه و برنامه کار مبارزه- همانطور که جین شارپ میگوید از جمله عوارض و ضایعات بی نقشه و بی برنامه جامع مبارزاتی عمل کردن اینست که (1) وقت و انرژی مبارزان صرف مسائل کوچک و جنبی که تاثیر زیادی در رهائی کشور ندارد میشود، (2) موقعیت های استثنائی از دست میرود، (3) ابتکار عمل بدست رژیم میافتد، (4) نقاط ضعف اپوزسئون دائما افزایش می یابد و تاثیر منفی روی فعالیت های آن میگذارد و بلاخره (5) شانس توفیق فعالیت های مختلف برای رسیدن به هدف کم میشود.

بنابر این مبارزات نافرمانی های مدنی، که شامل اعتراض ها، قانع ساختن ها، عدم همکاری ها و اقدامات تعرضی گوناگون به منظور تغییر نظام است را باید با مطالعه و با برنامه انجام داد.

بلا تردید داشتن برنامه جامع و استراتژی مشخص کار امکان موفقیت مبارزان را افزایش میدهد. در چنین حالتی ما بطور دائم به قدرت خود میافزاییم و از نقاط ضعف رژیم به بهترین وجه در راه پیشبرد هدفهای خود استفاده میکنیم مسائل مهمی که باید در این زمینه مورد توجه شورای رهبری مقاومت قرار گیرد، (1) مشخص کردن اهداف خاص و سهم هر یک در تحقق استراتژی بزرگ مبارزه، (2) مشخص کردن روشها و حربه های سیاسی ویژه ای که میتوان بکار گرفت، (3) مشخص نمودن نحوه استفاده در مبارزه از مسائل و مشکلات اقتصادی، اجتماعی زائیده رژیم ولایت فقیه به منظور سرنگونی رژیم، (4) مشخص نمودن نوع نظام رهبری مقاومت و سیستم ارتباطاتی آن در داخل مقاومت با مردم، (5) انتقال اخبار درست کشور و مقاومت به مردم و رسانه های جهان، (6) بسیج منابع مالی لازم برای مبارزه، (7) انتخاب انواع گوناگون عملیات نافرمانی، عدم همکاری، بی اعتباری و بی اعتنائی سیاسی، (8) برنامه ریزی برای دموکراسی و رژیم جانشین، (9) ارزیابی مستمر عملیات گوناگون مبارزاتی، (10) در صورت لزوم آمادگی برای تغییر در استراتژی های خاص عملیاتی.

تفکر و ایده مبارزات استراتژیکی نافرمانی را باید از تئوری به عمل درآورد تا تغییرات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی مورد نظر را باعث شود.